

بررسی جامعه شناختی آزار جنسی زنان جوان

کبری شکری^۱

سید ضیاء هاشمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۲/۱۵

آزار جنسی یک مسئله جهانی است که مانعی پایدار در راه ارتقای زنان و برخورداری آنان از حقوق فردی و اجتماعی شان به شمار می آید. آزار جنسی را می توان هرگونه توجه نشان دادن به بدن زن بدون توافق صریح یا ضمنی، مشروط بر آنکه ماهیت جنسی داشته باشد، تعریف کرد. در این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی و پرسشنامه محقق ساخته، اقدام به جمع آوری اطلاعات شده است. پرسشنامه ها در بین ۳۸۴ نفر از دختران و زنان جوان ۱۵ - ۳۵ ساله ساکن محلات تهرانپارس و تجریش بصورت نمونه گیری چند مرحله ای توزیع گردیده است.

نتایج تحقیق نشان داد که اکثر زنان در سه ماه گذشته، نوعی آزار جنسی کلامی مانند متلک گفتن، تحسین زیبایی، حرف های رکیک (توهین) و مزاحمت تلفنی را تجربه کرده اند و یا از وقوع آن در زندگی اطرافیان و دیگران اطلاع دارند. بیشتر زنان در سه ماه گذشته آزار جنسی رفتاری مانند هیزی و چشم چرانی، مورد تعقیب قرار گرفتن، لمس کردن، تنه زدن به عمد، توقف کردن با ماشین جلوی فرد را تجربه کرده اند و یا از وقوع آن در زندگی دیگران اطلاع دارند. عورت نمایی، پیشنهاد جنسی و تهدید به تجاوز از موارد دیگر آزار جنسی رفتاری بود که شیوع کمتری در جامعه آماری داشت و شاید یکی از دلایل آن تابو بودن اینگونه مسائل و ترس و بدبینی زنان نسبت به مطرح کردن آن بود. در تحلیل کیفی تحقیق اکثر زنان اعلام کرده اند که تجربه لمس کردن را به کرات در زندگی خود داشته اند و اینگونه آزارها موجب ترس و بدبینی آنها نسبت به مردان شده است - آزار جنسی در محیط کار در نمونه مورد نظر کمتر رخ داده است.

برخورد زنان در بیشتر مواقع سکوت و مدارا و فاصله گرفتن در وسایل نقلیه عمومی است و در این مورد کمتر به مراجع قضایی مراجعه می کنند. همچنین، بین آزار جنسی و نحوه پوشش و آرایش زنان

E-mail :cobra.shokri@yahoo.com

^۱ کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه البرز، قزوین (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه تهران و معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

ارتباط معناداری وجود دارد؛ اما بین عوامل اجتماعی (عوامل زمینه ای) مانند درآمد، تحصیلات فرد، شغل پدر و مادر و درآمد خانواده و آزار جنسی زنان جوان ارتباط معناداری دیده نمی شود.

واژگان کلیدی: زنان جوان، آزار جنسی (کلامی - رفتاری)، مردسالاری، پوشش و آرایش و قوانین حمایت

کننده

مقدمه

هر نظام اجتماعی، دارای الگوها و هنجارهای متعارف و مورد قبول خود است که فاصله گرفتن از آنها نوعی انحراف و کجروی محسوب می شود. فطرت انسان و روح جوامع انسانی ظاهراً با هر گونه زور و خشونت مخالف است و به همین دلیل، کاربرد هر گونه خشونت در برابر دیگران انحراف و کجروی به شمار می آید. این نوع از انحراف، سابقه طولانی به درازای عمر بشر دارد و به هر میزانی که بشر از آموزه های آسمانی فاصله بگیرد، بر تنوع و تکثر انحرافات و کژروی ها افزوده می شود. آزارهای جنسی در هر محیطی که زنان و دختران در آن حضور دارند یا مشغول فعالیت کاری هستند می تواند رخ دهد. از این نظر زنان ممکن است هم در خانه و از سوی خویشاوندان و آشنایان مورد آزار قرار گیرند و هم در محیط کار و فعالیت شغلی از سوی کارفرما، همکاران، مراجعان و مشتریان خود آزار ببینند.

با وجود اینکه زنان بیش از نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می دهند، اما اجحاف ها و تبعیض هایی که در طول تاریخ زندگی انسان بر زنان روا داشته شده است، آنها را چونان نیمه خاموش جهان مطرح ساخته است. در قلمرو توسعه، مردان گاهگاهی نادیده انگاشته شده اند، اما زنان اغلب به کلی حذف می شوند- چنان که ادبیات توسعه هم حذف زنان را به خوبی نشان می دهد. (مولاوردی، ۱۳۸۵: ۱۸- ۱۷) زنان همواره در طول تاریخ با خشونت رو به رو بوده اند. یکی از مشخصه های کلی خشونت علیه زنان در سراسر جهان این است که در بیشتر موارد از نظرها پنهان است و زنان تا کارد به استخوانشان نرسد، از زندگی خشونت آمیز خود حرفی نمی زنند. در ایران نیز زنان در اثر فشارهای سنتی هزار ساله که دامنه ای وسیع دارد، خو گرفته اند که بخش عمده ای از وضعیت خشونت بار زندگی خود را از دیگران بپوشانند. آنها بخصوص از مراجعه به مراکز قضایی و خدمات رسانی خودداری می کنند. (مهرانگیزکار، ۱۳۸۷: ۳۴۶) زنان در فضای اجتماعی زیر سلطه سنت های زن ستیز احساس نا امنی می کنند و چنان در بافت ذهنی و رفتاری خود به خشونت تسلیم شده اند که کمتر واکنش نشان می دهند. (همان: ۷- ۳۴۶)

بیان مسئله

یکی از نمودهای آزارجنسی که بانوان ایرانی به ویژه در شهرهای بزرگ با آن روبرو هستند، مزاحمت جنسی در اماکن عمومی یا آزار خیابانی است. این پدیده بیشتر به شکل لفظی، سد معبر کردن و گاه درگیری فیزیکی رخ می دهد. تقریباً همه زنان در هر موقعیت سنی، با هر نوع حجاب و پوشش و با هر

ترکیب ظاهر و چهره در تمام ساعات شبانه روز با این مزاحمت های خیابانی روبرو شده اند. (فاطمی، ۱۳۹۲)

از دیدگاه روان شناختی و جامعه شناختی، اهمیت طرح این موضوع بیشتر از آن روست که زنان آسیب دیده از این آزارهای جنسی چنان سرخورده و منفعل می شوند که گاه برای مقابله با عواقب آن حضور اجتماعی خود را محدود می کنند.

آزار جنسی را می توان به هر گونه توجه نشان دادن نسبت به بدن زن بدون توافق صریح یا ضمنی، مشروط بر آنکه ماهیت جنسی داشته باشد، تعریف کرد. آزار جنسی ممکن است در محیط کار، در جامعه یا در فضای خانواده از سوی منسوبین مذکر اعمال شود. در اینگونه موارد دختران و زنان درگیر مسئله ای می شوند که گاهی برای همیشه سری و محرمانه باقی می ماند؛ زیرا اگر تسلیم شوند، برخلاف باورهایشان عمل کرده اند و اگر تسلیم نشوند، به بی آبرویی و تحمل انواع دیگری از خشونت می انجامد. آزار جنسی باعث از بین رفتن اعتماد به نفس، گوشه گیری از اجتماع و ایجاد روح بدبینی در زن می شود و در برگیرنده زیان های مالی و معنوی برای اوست. (مهر انگیز کار، ۱۳۷۹، ۳۵۳-۳۵۲)

آزار های جنسی به دو شکل زیر صورت می پذیرد:

آزار های جنسی رفتاری: شامل هر گونه رفتار جنسی اعم از توجه نشان دادن به بدن زن، نگاه شهوت آلود و آزار دهنده، تماس بدنی، تجاوز جنسی، نمایش آلت تناسلی و ... می شود.

آزار های جنسی گفتاری (کلامی): شامل به زبان آوردن الفاظی است که متضمن مسائل و معانی جنسی می باشد. (اسحاقی: ۱۳۹۱)

اعمال خشونت و آزار نسبت به زنان، پدیده جدیدی نیست و از پیشینه ای تاریخی برخوردار است، اما توجه به آن به عنوان مسئله ای اجتماعی، مقوله ای جدید است. آنچه که ضرورت توجه به این مسئله را جدی تر می نماید، آن است که اعمال خشونت علیه زنان علاوه بر به جای نهادن تأثیرات منفی بر زندگی فرد، دارای پیامدهایی بسیار منفی برای جامعه بشری است. عدم احساس امنیت اجتماعی، اختلال در روابط اجتماعی، بی اعتمادی اجتماعی، از بین رفتن انرژی های مثبت و بهینه اعضای درگیر در خشونت به جای صرف آن در جهت رشد و توسعه جامعه از جمله پیامدهای مذکور هستند. افسردگی، ترس، اضطراب،

کاهش اعتماد به نفس و استرس های ناشی از خشونت، تأثیر ماندگار و طولانی بر روحیه زنان دارد و تبعاتی منفی برای فرزندان اینگونه زنان نیز به بار می آورد. (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۰ - ۸)

در جمهوری اسلامی ایران، تمهیدات قانونی برای مرتکبین اینگونه رفتارها در نظر گرفته شده است؛ از جمله: مواد ۱۶۴ و ۱۶۳ قانون مجازات اسلامی که بر طبق آن هرگونه ارتباط جنسی بدون عقد ازدواج حرام است و چنانچه چنین ارتباطی آشکار شود بر حسب تأهل هریک از طرفین، مجازات خاصی از شلاق تا سنگسار در نظر گرفته شده است. همچنین، ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، متضمن این نکته است که هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از ۲ تا ۶ ماه و ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. (قندهاری، ۱۳۹۲)

طبق پژوهش رجب لاریجانی (۱۳۸۹) آزارجنسی زنان در محیط کار و عدم امنیت روانی زنان شاغل، موضوعی است که بحث سلامت محیط کار را به چالش کشانده است. دیدگاه غالب جامعه در خصوص آزار جنسی، مجرم انگاری قربانی و مقصر دانستن وی در بروز چنین جرائمی می باشد. این تحقیق، روش کیفی را مورد استفاده قرار داده و براساس مصاحبه های عمیق با ۵۰ زن شاغل ۲۱ تا ۳۷ ساله شهر تهران به نتایجی دست یافته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که آزارجنسی زنان در محیط کار امری فراگیر و یک مسئله مهم اجتماعی است و از طرفی قربانیان کمترین نقش را در بروز این مسئله داشته اند. عدم تعادل قدرت میان مجرم و قربانی، نگرش مردسالارانه جامعه، جامعه پذیری زنان، توجه به زنان به عنوان ابژه های جنسی، فقدان نظارت بر بعضی از بخش های کاری مثل بخش خصوصی، نگرش نادرست نسبت به زنان شاغل و مقصردانستن آنان، از جمله دلایل عمده ای است که منجر به آزارجنسی زنان در محیط کار می شود. زنان شاغل برای مقابله با آزارجنسی عمدتاً از روش های ناکارآمدی مثل سکوت، مدارا و ترک محیط کار استفاده می نمایند که در بیشتر موارد چنین روش هایی به توقف آزارجنسی منتهی نمی شود و مشکلات بیشتری را ایجاد می نماید.

تجربه پاسخگویان نشان می دهد که برای توانمند سازی و مقابله کارآمد زنان در برابر آزارهای جنسی به تقویت اعتماد به نفس، برنامه آموزشی در محیط کار، از میان بردن دیدگاه های مردسالارانه، تقویت

همبستگی میان زنان شاغل، حضور مدیران حمایت گر میان زنان و ایجاد تشکل های حمایتی و نقش فعال رسانه ها در آگاه سازی زنان و جامعه نیازمند می باشند.

حسین زاده (۱۳۸۷) در پژوهش خود دریافت با توجه به نوع تربیت خانوادگی و نحوه آموزش زنان مورد نظر، مزاحمت جنسی به عنوان مسئله ای ناپسند و زشت که نباید درباره آن صحبت شود، در نظر گرفته می شود و تجربیات مختلف از مزاحمت جنسی در زندگی زنان، جزو لایه های پنهان زندگی شان به شمار می آید.

مصطفی السان در مقاله خود، یکی از اقسام خشونت را که به دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، خشونت جنسی علیه زنان می داند. وی در این مقاله نشان داده که رضایت بزه دیده، در وقوع و سختی پیشگیری از خشونت جنسی تأثیر زیادی دارد و دولت و محاکم قضایی باید حقوق قانونی بزه دیدگان چنین جرایمی را مورد توجه ویژه قرار دهند. به لحاظ فرهنگی تلاقی دو عامل، احتمال بزه دیدگی جنسی زنان را فراهم می سازد: ۱- عواملی که مردان را به ارتکاب خشونت علیه زنان می کشاند؛ ۲- موقعیتی که زن در آن قرار گرفته و قربانی خشونت می شود. در کل، تعامل میان عوامل روانی، زیستی و اجتماعی پایه های خشونت را می سازند. این مطالعه مبتنی بر روش توصیفی بوده و هدف از آن تحلیل جرم شناختی خشونت علیه زنان و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از این نوع خشونت است. در این مقاله بیان شده است که رسانه ها از دو جهت عامل خشونت جنسی علیه زنان به شمار می روند: نخست، تبدیل زن به کالا از طریق استفاده تبلیغاتی از زیبایی زن در پیام های بازرگانی و نمایش روابط جنسی خصوصی از انواع مختلف آن به عنوان صحنه طبیعی فیلم ها و تئاتر؛ دوم، طبیعی جلوه دادن تعرض جنسی بدون وجود رابطه قانونی بین طرفین.

پژوهش دیگر در سال ۲۰۰۶ میلادی با عنوان "الگوهای آزارجنسی، جنسیت و بهره گیری از سرویس های حمایتی" در آمریکا انجام شده است. داده های این تحقیق از طریق مصاحبه تلفنی با ۲۱۵۱ نفر از ۴۱۱۶ شاغلی بدست آمده است که واجد شرایط شرکت در این تحقیق بوده اند. این مطالعه بصورت طولی و در دو مرحله صورت گرفته است.

نکته دیگر اینکه آزارهای جنسی شدید، احتمال استفاده از خدمات را بالا می برد. در خصوص آزار عمومی که شامل خشونت لفظی و درگیری های بدنی می باشد و آزار جنسی که میزان آن در مردان کمتر از

زنان می باشد، احتمال کمتری داشت که مردان به شدت آسیب دیده از خدمات روانشناسی استفاده نمایند. بنابراین، جنسیت نقش عمده ای در استفاده از خدمات ایفا می کند.

در پژوهش های انجام شده به صورت کیفی و از طریق مصاحبه، به مطالعه و بررسی آزارجنسی زنان پرداخته شده و همین امر موجب شده که جمعیت کوچکی مورد مطالعه قرار گیرد و بیشتر به آزارجنسی در محیط کار توجه شده است. در این مقاله، به لحاظ مفهومی سطوح مختلف آزارهای جنسی (کلامی - رفتاری) مورد بررسی قرار گرفته و به مطالعه این مسئله اجتماعی در دو محله تهران (تهرانپارس و تجریش) که دارای ویژگی های اقتصادی و اجتماعی گوناگونی می باشند، پرداخته شده است. با توجه به اینکه این تحقیق، بخشی از جمعیت شهر تهران را بصورت کمی مورد مطالعه قرار می دهد، قابل توجه می باشد.

چارچوب نظری پژوهش

نظام مردسالار سبب می شود که مردان از قدرت و اقتدار بیشتری از زنان برخوردار باشند و از طریق در دست داشتن اهرم های قدرت نه فقط زنان را از موقعیت های مقتدرانه دور نگه دارند، بلکه قادر باشند بر اندام و رفتارهای زنان در عرصه های عمومی و خصوصی نیز نظارت نمایند. از دید سیلویا والبی، جامعه شناس فمینیست، مردسالاری¹ نظامی از ساختارها و عمل اجتماعی است که در آن مردان بر زنان حاکمیت و سلطه دارند و آنان را استثمار می کنند. والبی مردسالاری را متشکل از شش ساختار نسبتاً خود مختار در نظر می گیرد و معتقد است که چگونگی ترکیب متغیرهای این ساختار در جوامع مختلف، انعطاف لازم را به نظام مردسالاری می دهد. ساختارهای شش گانه مدنظر والبی عبارت اند از: استثمار زنان، کارخانگی بدون دستمزد، روابط موجود در بازارکار، دولت، خشونت مردان علیه زنان، روابط جنسی و فرهنگ جامعه. (رجب لاریجانی، ۱۳۸۹)

از یک دیدگاه، مردسالاری در برگیرنده نظارت بر نیروی کار و از دیدگاه دیگر، در برگیرنده نظارت بر کارخانگی بدون دستمزد زنان همچنین تمایلات جنسی و بازتولید است. خشونت خانگی، تجاوز، آزارجنسی کودکان، آزارجنسی در جامعه، هرزه نگاری، فحشا، قاچاق، خرید و فروش زنان و سایر راه هایی که امکان آزار زنان و کودکان از طریق آنان وجود دارد، همه با یکدیگر طیفی از خشونت مردان علیه زنان و کودکان را در جامعه تشکیل می دهد. بدین ترتیب، وجود خشونت در جامعه باعث می شود که فرادستی

¹Patriarchy

مردان در جامعه حفظ شود و حتی مردانی که خشن نیستند از این موقعیت خشن نفع ببرند، زیرا در صورت موجود بودن شرایط خشونت آمیز در جامعه، حتی زنانی که تحت خشونت قرار ندارند، در یک حالت ترس و دلهره دائمی قرار خواهند گرفت. (اعزازی، ۱۳۸۹: ۹۵-۸۴)

همچنان که نابرابری قدرت در جامعه بر کیفیت زندگی مردم تأثیر می گذارد، کیفیت و انواع کج رفتاری هم از همین موضوع متأثر می شود. برای مثال، احتمال بیشتری وجود دارد که یک مدیر بانک، کلاه مشتریان را به راحتی و آرامی بردارد تا این که یک بیکار موفق شود با خشونت به بانکی دستبرد بزند. (صدیق سروسنایی، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۴)

ساختار نابرابر قدرت میان روابط زن و مرد در چرخه حیات، در واقع همان مناسبات ستم آلود و سلطه آمیزی می باشد که همواره به تبعیض بین زن و مرد انجامیده و همین تبعیض ها و اجحاف های حاصله از آن روابط، منجر به بروز خشونت علیه زنان گردیده است. مسئله ای که مورد تأیید اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۳ میلادی نیز قرار گرفته است.

نانسی چودوروف، جامعه شناس آمریکایی، رشد تفاوت جنسیتی زنانه یا مردانه را در فرایند جدا شدن از اولین شخصیت مرجع می داند که غالباً مادر است. این فرایند در دختران و پسران متفاوت است. از پسر انتظار می رود که میان خود و مادر مرزی قائل شود که او اینکار را به مدد همذات پنداری با چهره های قدرت و اقتدار مردانه و بطور همزمان به مدد ارزش گذاری منفی مادر بطور اخص و زنانگی بطور اعم انجام می دهد. پسر می آموزد که جنبه های زنانه خود را انکار کند و واپس براند. در پسر بچه، یک "من" رشد می کند که وجه مشخصه آن فاصله گرفتن، فرادستی، رقابت و پرخاشگری به ویژه در قبال دختران و تأثیر پذیری از پرخاشگری اشخاص مرجع قوی تر است. چودوروف اعتقاد دارد که دختر نمی تواند خود را مانند پسر فراتر از مادر بداند، زیرا دختر هم مانند مادر فقط یکسان است. دختر هم تمام توجه اش تمرکز بر همان نقشی است که در مقایسه با نقشی مردانه از فرصت زندگی کمتری برخوردار است. (اعزازی، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۰)

مفهوم پوشش یک مفهوم عام بوده و بیشتر مشتمل بر معنای شیء انگارانه است. ظاهر، مفهومی است که به پوشش نزدیک می شود و در معنای لباس و ظهور یا تظاهر تن می باشد. مفهوم حجاب خاص بوده و پیچیده تر از پوشش است و ارزش ها و اصول اساسی مانند «ظاهر و باطن / محرم و نامحرم / خصوصی و

عمومی» را در خود جای می‌دهد. (فاطمی، ۱۳۹۲) حجاب پدیده‌ای چند بعدی است که برای شناخت آن، بررسی تمام ابعاد این پدیده الزامی است. از نگاه جامعه‌شناختی، حجاب به مثابه رسانه ارتباطی نمادین و کنش اجتماعی است که فرد کنشگر برای آن معنای ذهنی و ارزشی نمادین قائل است؛ به نحوی که کنش او در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباطات میان فردی و تحت تأثیر انتظارات دیگران در حوزه عمومی است. از این نگاه، حجاب امری نیست که صرفاً به مقوله پوشش بدن تقلیل داده شود، بلکه شامل زبان بدن، مدیریت بدن و آرایش و پیرایش بدن و زبان اشیا در عرصه ارتباطات غیرکلامی نیز می‌شود که ممکن است تحت شرایط اجتماعی و فرهنگی دارای شکل و قالب متنوع با جوهر و محتوایی یکسان یا برعکس باشد.

مسئله حجاب در واقع در بستری از روابط اجتماعی شکل می‌گیرد که در چارچوب مسائل زنان دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و همچنین مؤلفه‌های مذهبی- معنوی، منزلتی، شخصیتی و رفتاری است که از پارادایم و منظرهای مختلفی قابل بررسی است. (همان: ۲۳)

هر پدیده اجتماعی از جمله آزارجنسی که یکی از مصادیق خشونت علیه زنان است، تحت تأثیر عوامل متعددی است که هر کدام با شدت و درجه معینی در ایجاد آن سهیم اند. در نتیجه، نمی‌توان پدیده‌های اجتماعی را با یک یا چند علت واحد تبیین نمود، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در ارتباط با هم در به وجود آمدن پدیده نقش دارند.

در این مقاله جهت تبیین جامعه‌شناختی آزار جنسی، به نظریه‌های مختلف بصورت اجمالی نگاهی انداخته شده است؛ مانند نظریه آنومی دورکیم یا نظریه بی‌سازمانی اجتماعی رابرت مرتن ولی تأکید اصلی در تبیین این مسئله اجتماعی، نظریه‌های فمینیستی است که به صورت دقیق به بررسی این آسیب اجتماعی پرداخته است.

تبیین و بررسی آزار جنسی علیه زنان با توجه به اینکه موقعیت اجتماعی زنان به عنوان همسر و مادر، بر مردان و بطور کلی بر جامعه بسیار تأثیر گذار می‌باشد حائز اهمیت است. به این دلیل می‌توان انتظار داشت که آسیب‌های زنان به شکلی غیر مستقیم مردان را نیز متأثر می‌سازد. از نظر برخی جامعه‌شناسان، آسیب‌های پیش روی بانوان بیشتر به شیوه‌هایی مربوط می‌شود که مردان قدرت اجتماعی یا فیزیکی برتر خود را علیه زنان به کار می‌برند. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۱۸) از سوی دیگر، تفاوت‌های زیست‌شناسانه و روانشناسانه و عاطفی تر بودن زنان، احتمال قربانی شدن آنها را در آسیب‌ها افزایش می‌دهد.

با توجه به دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی، تغییرات شدید فنی، اقتصادی و اجتماعی در دنیای معاصر و اختلال در نظم هنجاری جامعه، علت بروز و گسترش مسئله اجتماعی است. این تغییرات گسترده و بنیادی، نظم اجتماعی سنتی را به حالت تعلیق درآورده و از آنجا که هنوز بر مدار تغییرات جدید، نظم نوین استقرار نیافته است، در مرحله ای انتقالی به سر می‌بریم که با اختلال در هنجارها و قواعد اجتماعی بروز مسئله اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر شده است. (معیدفر، ۱۳۸۹: ۶)

در بررسی آزارهای جنسی می‌توان گفت که خشونت اعمال شده از طرف مردان بازتاب حاکمیت سیستماتیک مردان بر زنان و نشانگر شیوه فرمانبرداری‌سازی زنان در قبال سلطه مردان است. بنابراین، خشونت مردان نه تابع عوامل زیستی - شخصیتی که برآیند واگذاری حق خشونت ورزی از سوی ساخت‌های فرهنگ مذکر به کنشگران مرد آن است. نظارت مردان بر زنان در این مقیاس با بی‌قدرت‌سازی زنان در زمینه تولید و مدیریت، نفی تحرک زنان، تقسیم کار نابرابر، به رسمیت شناختن مالکیت مرد بر زن، توجیه علمی ضرورت کاربرد خشونت مردان برای حفظ نظم یا تأکید بر کور رنگی جنسی در این عرصه و مقابله با هرگونه انتقاد فمینیستی توأم بوده و این در حالی است که شرایط عصر جهانی شدن به تعارض با این نظارت می‌گراید. (اعزازی، ۱۳۸۵: ۷۶-۷۱)

شناخت مسائل قربانیان تعرض جنسی به منظور پیشگیری از این وضعیت در چارچوب فرهنگ معنا می‌یابد. در فرهنگی که می‌گوید: زنان خود به تعرض جنسی خویش جان می‌بخشند و در واقع محرک آن هستند یا مدعی است همه زنان دوست دارند به آنها تجاوز شود یا تأکید دارد که اگر زنی نخواهد، نمی‌توان به او تجاوز کرد و یا اصرار دارد که وقتی زنی می‌گوید نه، منظورش بله است، قاعدتاً زمینه‌هایی برای توجیه تعرض جنسی بخصوص از سوی مردان فراهم می‌آید. پذیرش این افکار همراه با جامعه‌پذیری نقش‌های کلیشه‌ای جنسیتی و نیز ضعف حمایت‌های قانونی از زنان به تشدید تعارض یاری می‌رساند. (همان: ۷۴)

در آزارهای جنسی، احساس شرمی که مانع از بیان رفتارهای جنسی به ویژه انحرافات آن می‌گردد، موجب احاطه این قلمرو در هاله‌ای از سکوت می‌شود. احتمالاً این احساس ناامنی و ابهام حریم شخصی افراد است که کنشگران جنسی را از ابراز روابط داشته و نداشته با دیگران باز می‌دارد و بر هزینه‌های اجتماعی چنین اوضاعی می‌افزاید.

فمینیست ها معتقدند که زنان در اغلب موارد قربانی آسیب های اجتماعی هستند. به نظر آنان، زنان قربانی خشونت و تجاوز جنسی در جامعه ای مرد سالار می باشند. (معیدفر، ۱۳۸۶: ۱۳۴) اینان معتقدند که منشأ نابرابری جنسی، نابرابری قدرت مردان و زنان در جامعه سرمایه داری بوده است. نابرابری جنسی کارکرد استثمار زنان توسط شوهران و پدران آنهاست. آنها اشاره می کنند که زنان همانند کالایی هستند که می توان همانند پول و زمین مالک آنها بود. (ممتاز، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۷۷)

بر اساس دلالت های رویکردهای فمینیستی، مردسالارانه بودن ساختارهای اجتماعی و فیزیکی جامعه، درک زنان از مناسبات قدرت جنسیتی، به حاشیه رانده شدن زنان، عدم ادغام اجتماعی آنان، نوع جامعه پذیری متفاوت، تجربه خشونت و آزار جنسی و برخی شرایط جسمانی و فردی زنان موجب می گردد که آنان بیشتر در معرض آسیب های اجتماعی باشند و به تبع بیشتر احساس ناامنی کنند. سستی حکومت ها و عدم اعتماد قربانیان خشونت به پلیس و اینکه مطمئن نیستند که پلیس بعد از مراجعه آنها و شکایتشان چه برخوردی خواهد کرد، باعث شده است تا زنان قربانی، تمایل چندانی به گزارش جرایم خشونت آمیزی که در خانواده و جامعه علیه آنها اتفاق می افتد، نداشته باشند.

همان طور که گیدنز نیز می گوید انتظارات و الگوهایی که روابط جنسیتی از طریق آنها نمود می یابد، در متن اجتماعی و توسط نهادهای اجتماعی خلق می گردد و بعد به افراد منتقل می شود. در واقع، در فرآیند جامعه پذیری است که جنسیت به لحاظ اجتماعی شکل می گیرد و زنانگی و مردانگی نمود می یابد. (معیدفر، ۱۳۸۹: ۶۶)

معمولاً دختران کوچک می آموزند که در مقام زن، برای دفاع از خود در مقابل خشونت، امکانات محدودی دارند. پسران نیز متوجه می شوند که مردان و پسران، برتر از زنان اند و باید بتوانند دیگران را تحت نظارت قرار دهند. (ذکایی، ۱۳۸۴: ۱۱)

برای بررسی جامعه شناختی آزار جنسی زنان جوان، پاسخ به سوال های زیر ضروری است:

عوامل اجتماعی تأثیرگذار در بروز آزار جنسی زنان جوان کدام اند؟ آیا ویژگی های ظاهری (نوع پوشش و آرایش) زنان جوان در بروز آزار جنسی تأثیرگذار است؟ آیا احساس نبود قوانین حمایت کننده در جامعه موجب عدم مطرح کردن آزار جنسی از سوی زنان می شود؟ آیا باورها و ارزش های سنتی حاکم

برجامعه موجب سکوت زنان در مورد مطرح کردن آزارجنسی می شود؟ آیا آزارجنسی در عدم احساس امنیت اجتماعی زنان تأثیرگذار است؟ پیامدهای آزارجنسی زنان در سطح جامعه چیست؟

در این تحقیق، از نظریات فمینیستی مانند نابرابری قدرت در جامعه و مردسالاری و دیدگاه های گوناگون این تفکر مانند سوسیال فمینیست و رادیکال فمینیست بهره گیری شده است.

با توجه به نظریه های مختلف و چارچوب نظری تحقیق، ۶ فرضیه به شرح زیر مطرح می شود:

۱. بین عوامل اجتماعی (عوامل زمینه ای) و آزار جنسی دختران و زنان جوان رابطه وجود دارد.

۲. بین ویژگی های ظاهری (نوع پوشش و آرایش) و بروز آزار جنسی دختران و زنان جوان رابطه وجود دارد.

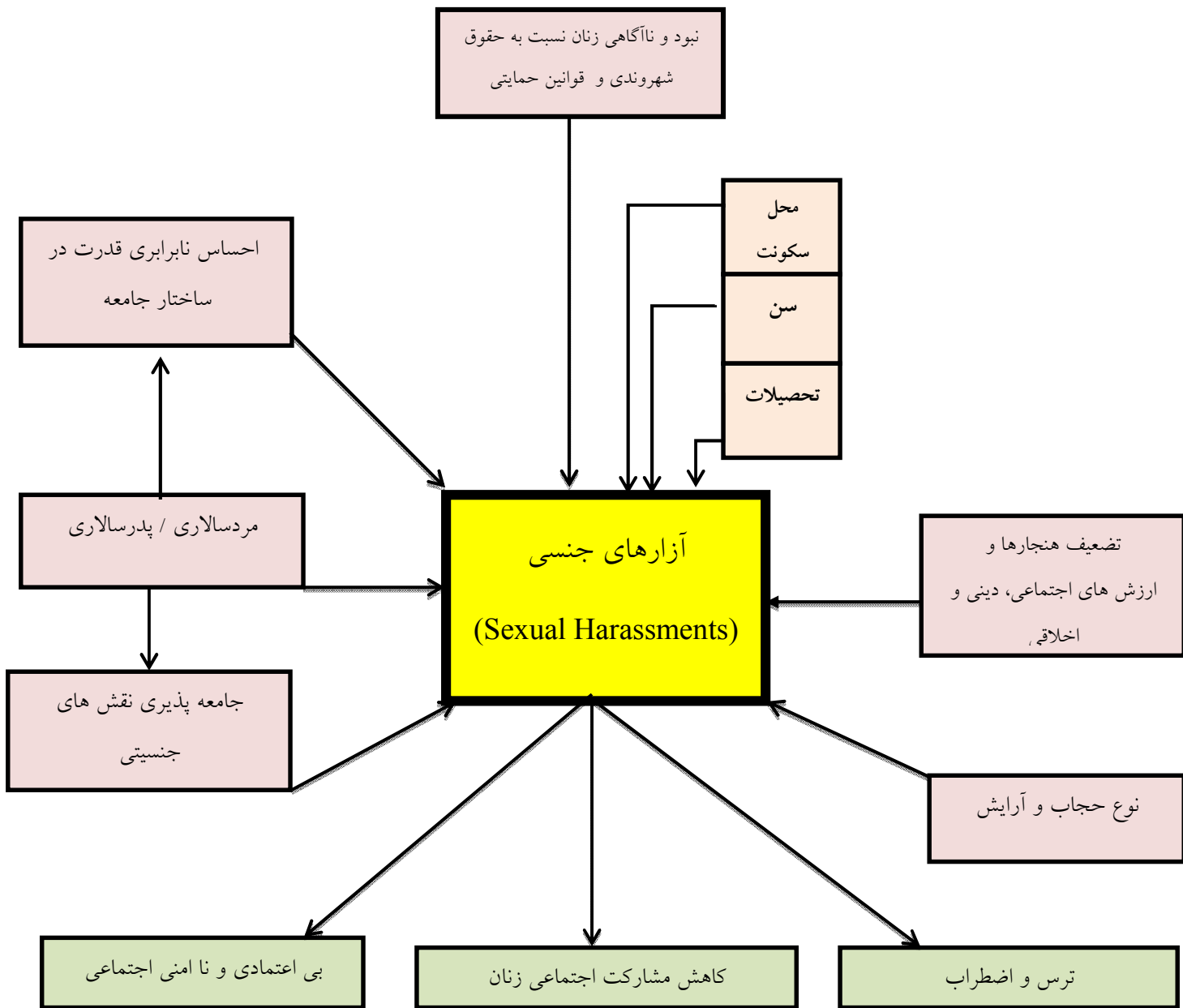
۳. بین احساس نبود قوانین حمایت کننده و عدم مطرح کردن آزار جنسی دختران و زنان جوان رابطه وجود دارد.

۴. بین باورها و ارزش های سنتی حاکم بر جامعه و سکوت دختران و زنان جوان در مورد آزار جنسی رابطه وجود دارد.

۵. آزار جنسی دختران و زنان جوان در عدم احساس امنیت اجتماعی آنان تأثیر گذار است.

۶. آزار جنسی دختران و زنان جوان دارای پیامدهای اجتماعی در جامعه بخصوص در زندگی دختران و زنان جوان است.

با استفاده از چارچوب نظری و فرضیه های تحقیق، عوامل اساسی شکل گیری آزار جنسی و پیامدهای این مسئله اجتماعی در زندگی دختران و زنان جوان را بنا بر مدل تبیینی زیر می توان برشمرد:



مدل ۱. تبیین نظری آزارهای جنسی علیه دختران و زنان جوان

آزار جنسی^۱: آزارهای جنسی به هر گونه ارباب، قلدری یا اجباری که ماهیت جنسی داشته باشد یا به هر گونه وعده پاداش نامطلوب در ازای دریافت التفات جنسی اطلاق می شود. در بسیاری از متون قانونی دنیای مدرن، آزار جنسی غیرقانونی شناخته می شود. بنا به تعریف کمیسیون برابری فرصت های شغلی

¹Sexual Harassment

آمریکا (EEOC) "مورد آزار قرار دادن اشخاص (متقاضی کار یا کارمند) به خاطر جنسیت فرد غیرقانونی است. " آزار می تواند شامل "آزار جنسی" یا بهره گیری ناخواسته جنسی، تقاضای التفات جنسی، یا هر گونه آزار بدنی یا کلامی با ماهیت جنسی باشد.

برای آزار جنسی (مزاحمت جنسی) و سنجش این مسئله اجتماعی در این تحقیق مصادیق مختلفی در نظر گرفته شده است که متلک و آزارهای کلامی - که با شاخص هایی مانند تحسین زیبایی، بکار بردن الفاظ رکیک و زننده در معابر عمومی و یا محیط کار و سازمان های دولتی سنجیده می شود- و آزارهای رفتاری - که با شاخص هایی مانند تنه زدن، نیشگون گرفتن، هیزی و چشم چرانی و دست زدن به بدن زنان (لمس کردن) سنجیده می شود- و پیشنهاد جنسی و تقاضای دوستی را شامل می گردد.

آزار گفتاری: این نوع آزار از جلوه های زشت و شایع مزاحمت های خیابانی است که فرد مزاحم با مخاطب قرار دادن زن، الفاظی را با نیت شهوانی و به منظور لذت جویی بکار می برد. برای سنجش و بررسی آزارهای گفتاری (کلامی) از شاخص هایی مانند تمسخر ظاهر فرد یا تعریف از او (تحسین زیبایی و ظاهر زنان)، فحش و ناسزاگویی، تهدید و توهین و مزاحمت تلفنی استفاده می شود.

آزار رفتاری: در این نوع آزار نیز شخص فاعل با حرکات و رفتار مخالف شئون و حیثیت زنان، آنها را در معابر و اماکن عمومی مورد آزار جنسی قرار می دهد؛ مانند تعقیب کردن، لمس کردن، توقف کردن با ماشین جلوی فرد، عورت نمایی، پیشنهاد جنسی و تهدید به تجاوز.

متغیر وابسته در این تحقیق، آزار جنسی دختران و زنان جوان است که به سطوح کلامی و رفتاری تقسیم شده است. متغیرهای مستقل شامل احساس نابرابری قدرت در ساختار های جامعه، مردسالاری، جامعه پذیری نقش های جنسیتی، نبود قوانین حمایت کننده و یا عدم آگاهی از قوانین، حجاب و نوع آرایش و عوامل اجتماعی (زمینه ای) شامل محل سکونت، سن، شغل، تحصیلات پدر و مادر، درآمد و... می باشد.

روش شناسی پژوهش

معمولا موضوعاتی چون آزار جنسی یا خشونت علیه زنان با حساسیت اجتماعی همراه است. لذا پژوهش در این حوزه از دشواری های خاص برخوردار است و از آنجا که چنین موضوعاتی کمتر مورد بحث قرار

گرفته اند، منابع زیادی برای ارجاع وجود ندارد. برای انجام این پژوهش می بایست از کسانی که در معرض آسیب بودند مصاحبه صورت می گرفت که به دلیل عدم دسترس پذیری محقق به دختران و زنان جوان آسیب دیده، از مجموعه دختران و زنان جوان در دو محله تهران (تهرانپارس و تجریش) تحقیق بعمل آمد. با توجه به گستره موضوع و برای قضاوت بهتر در یک منطقه وسیع، از روش پیمایشی استفاده شد؛ چنان که ابتدا منابع موجود به روش اسنادی و جهت بررسی ادبیات و پیشینه موضوع جمع آوری شد و پس از مشخص کردن نظریات مرتبط با آن و چارچوب نظری موضوع، از روش پیمایشی و بررسی نمونه هایی از جامعه آماری بهره گیری به عمل آمد.

جامعه آماری این تحقیق عبارت اند از: تمام دختران و زنان جوان (۳۵ - ۱۵ ساله) ساکن در دو محله تهرانپارس و تجریش که براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، جمعیت آنها ۲۶۶۱۹۳ نفر بودند. از نظر محقق، این گروه سنی از دختران و زنان جوان به دلیل جوان بودن و ویژگی های ظاهری بیشتر در معرض آزار جنسی قرار دارند. از دلایل انتخاب این دو محله می توان به تفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر ساکنان این محلات و همچنین دسترس محقق به این دو محل اشاره کرد. نمونه تحقیق شامل دختران و زنان جوان ساکن در این دو محله بودند که با توجه به گروه سنی خود شاغل به تحصیل و یا اینکه مشغول به کار در محیط های مختلف به شمار می آمدند و معمولاً در زندگی خود از اماکن عمومی برای تردد و گذران اوقات خود استفاده می کردند و طبق فرمول کوکران جمعیت آنها ۳۸۴ نفر بود.

یکی از روش های نمونه گیری احتمالی، نمونه گیری چند مرحله ای^۱ است. در این روش معمولاً در هر مرحله تعدادی از افراد جامعه براساس ویژگی خاصی انتخاب می شوند و در مرحله بعد از بین افراد انتخاب شده، مجدداً (براساس ویژگی یا صفت دیگری) نمونه کوچکتری انتخاب می شود. به جهت اینکه مراجعه به درب منازل حساسیت زاست و نمی توان اطلاعات لازم را جمع آوری کرد، محقق در بلوک ها، میادین و خیابان ها بصورت تصادفی اقدام به نمونه گیری و جمع آوری اطلاعات کرده است.

چون این تحقیق از نوع پیمایشی است، اطلاعات لازم با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و مرکب از سؤالات باز و بسته جمع آوری شده است. برای ساختن پرسشنامه، محقق با مطالعاتی که در پژوهش های قبلی انجام داده و با توجه به فرضیه های تحقیق و متغیرهای مستقل اقدام به طراحی پرسشنامه نموده است.

¹ Multi- Stage Sampling

برای سنجش هر فرضیه چند سؤال مطرح شده است؛ به طوری که پاسخ به چنین سؤالاتی، اطلاعات لازم جهت آزمون فرضیه را فراهم می سازد. در این تحقیق قبل از اینکه پرسشنامه نهایی گشته و در میان نمونه آماری تکمیل گردد، اعتبار و روایی پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفت و برای سنجش اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده گردید. براین اساس پرسشنامه به سه نفر از اساتید رشته جامعه شناسی داده شد و سوالات پرسشنامه به لحاظ سنجش کردن شاخص های تحقیق مورد بررسی قرار گرفت.

برای سنجش پایایی همسانی درونی از روش های گوناگونی استفاده می شود که ما در اینجا از روش آلفای کرونباخ بهره بردیم.

در گام اول جهت گرفتن پیش آزمون و سنجش همسانی درونی گویه ها (آلفای کرونباخ) ، ۳۰ نفر به صورت نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه در بین آنان توزیع گردید و در پایان محقق از طریق نرم افزار آماری SPSS به اصلاح ابزار جمع آوری اطلاعات (پرسشنامه) پرداخت.

جدول ۱: نتایج آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه ها	آلفای کرونباخ
عوامل اجتماعی (زمینه ای)	۹	۰/۸۰
آزار جنسی کلامی و رفتاری	۱۲	۰/۶۶
آزار جنسی در محیط کار	۵	۰/۷۵
حجاب و پوشش	۵	۰/۸۴
احساس نبود قوانین حمایت کننده و ناآگاهی نسبت به قوانین	۶	۰/۷۰
باورها و ارزش های سنتی حاکم بر جامعه	۲	۰/۷۱
پیامدهای اجتماعی	۱۰	۰/۷۲

از جمله محدودیت های این تحقیق، بحث تابو بودن مسائل جنسی و خشونت جنسی در سطح جامعه و بین دختران و زنان جوان است که اینگونه مسائل را به عرصه های خصوصی افراد ربط می دهند و زنان جوان ما را تشویق به سکوت و مدارا در این خصوص می کنند. از دیگر محدودیت ها می توان به کمی منابع تحقیقاتی و کتاب ها در مورد این مسئله اجتماعی و دسترس ناپذیری افرادی که با آزار جنسی مواجه شده اند و نبود امکان مصاحبه با آنها اشاره کرد.

یافته های پژوهش

در رابطه با عوامل اجتماعی (عوامل زمینه ای) تأثیرگذار در بروز آزار جنسی، متغیرهایی مانند سن، محل سکونت، تحصیلات، درآمد فرد، تحصیلات و درآمد پدر و مادر مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر می باشد:

بیشترین گروه سنی مصاحبه شده شامل دختران و زنان جوان ۲۵ ساله با درصد فراوانی ۱۱/۲ درصد است. ۵۴/۷ درصد از پاسخگویان ساکن محله تهرانپارس و بیشتر پاسخگویان مجرد بودند. اکثر پاسخگویان شاغل (با فراوانی ۵۷/۸ درصد) و در بخش خصوصی مشغول به فعالیت بودند. بیشترین میزان درآمد افراد گزینه از ۴۰۱ هزار تا ۸۰۰ هزار تومان می باشد که ۳۲/۸ درصد را شامل می شود و کمترین درآمد هم شامل ۱۲۰۱ هزار تومان به بالا با فراوانی ۲/۳ درصد می باشد. بیشترین میزان تحصیلات مادر پاسخگویان مربوط به گزینه دیپلم با ۴۴/۸ درصد و بیشترین میزان تحصیلات پدر پاسخگویان، گزینه دیپلم با ۳۸ درصد فراوانی می باشد. اکثر پاسخگویان اعلام کرده اند که مادر آنها خانه دار (۷۶/۳ درصد) می باشد. از بین کسانی که مادرشان شاغل به کار می باشد، بیشترین تعداد ۱۰/۲ درصد اعلام کرده اند که در مشاغل دولتی فعالیت می کنند. بیشترین درصد فراوانی در متغیر طبقه بندی شغل پدر در صورت شاغل بودن، مربوط به گزینه آزاد با ۵۰/۸ درصد فراوانی و بیشترین میزان درآمد خانواده مربوط به گزینه ۱۲۰۱ هزار تومان به بالا می باشد.

در این تحقیق، آزارهای جنسی در دو سطح کلامی و رفتاری مورد بررسی قرار گرفته است. برای جمع آوری حجم بیشتری از اطلاعات، محقق به دو صورت تجربه شخصی از آزار کلامی و رفتاری پاسخگو و اطلاع از آزار کلامی و رفتاری در دیگران در دو دوره سه ماه گذشته و یکسال گذشته به جمع آوری اطلاعات پرداخته است.

در مورد تجربه آزار جنسی کلامی ۸۹/۳ درصد زنان اعلام کرده اند که در سه ماه گذشته مورد آزار کلامی متلک گفتن قرار گرفته اند و ۸۲ درصد زنان نیز اعلام کرده اند این مسئله برای اطرافیانشان رخ داده است. در پاسخ به متغیر تحسین زیبایی ۸۴/۶ درصد در سه ماه گذشته تجربه این آزار را داشته اند و ۷۷/۳ درصد نیز شاهد وقوع این مسئله در بین اطرافیان خود در سه ماه گذشته بوده اند.

در مورد متغیر حرف های رکیک و ناسزاگویی (توهین) که یکی از آزارهای جنسی کلامی است، ۵۳/۴ درصد زنان در سه ماه گذشته تجربه این آزار را داشته اند و ۶۸/۲ درصد نیز در سه ماه گذشته از وقوع این آزار در اطرافیان خود باخبر بوده اند. در مورد متغیر مزاحمت تلفنی، بیشترین درصد فراوانی مربوط به گزینه تجربه در سه ماه گذشته با ۴۳/۵ درصد در مقابل اطلاع از مزاحمت تلفنی در سه ماه گذشته با ۶۲/۵ درصد می باشد.

در رابطه با آزار جنسی رفتاری، هشت گویه شامل (هیزی و چشم چرانی، تعقیب کردن، لمس کردن، توقف کردن با ماشین جلوی فرد، تنه زدن به عمد، عورت نمایی، پیشنهاد جنسی و تهدید به تجاوز) مورد بررسی قرار گرفته است که اکثر زنان اعلام کرده اند که در سه ماه گذشته تجربه و اطلاع از وقوع آزار جنسی رفتاری هیزی و چشم چرانی در اطرافیان خود را داشته اند. در رابطه با آزار رفتاری تعقیب کردن ۴۶/۹ درصد زنان اعلام کرده اند که در سه ماه گذشته مورد تعقیب قرار گرفته اند و ۵۱ درصد نیز اعلام کرده اند که از وقوع این آزار در دیگران و اطرافیان طی سه ماه گذشته اطلاع داشته اند.

لمس کردن یکی دیگر از آزارهای جنسی رفتاری است که ۴۶/۹ درصد زنان مورد مطالعه در سه ماه گذشته تجربه این نوع آزار جنسی را داشته اند و ۴۵/۱ درصد زنان نیز از وقوع این مسئله اجتماعی در اطرافیان خود طی سه ماه گذشته باخبر بوده اند. ۵۸/۱ درصد و ۴۸/۴ درصد زنان تجربه تنه زدن به عمد در مکان های مختلف را در طی سه ماه گذشته داشته و یا از وقوع آن در اطرافیان خود باخبر بوده اند. در مورد توقف کردن با ماشین جلوی فرد که از دیگر موارد آزارهای جنسی رفتاری است، بیشتر زنان اعلام کرده اند که در سه ماه گذشته این مسئله برایشان رخ داده است و ۵۲/۱ درصد نیز شاهد وقوع این آزار جنسی در اطرافیان خود بوده اند.

در مورد متغیر عورت نمایی ۴۹ درصد زنان مورد مصاحبه، اعلام کرده اند که تاکنون این مسئله را تجربه نکرده اند و ۳۱/۱ درصد زنان نیز، اعلام کرده اند در یکسال گذشته تجربه این نوع آزار را داشته اند. ۴۷/۹ درصد زنان نیز از وقوع این آزار در اطرافیان خود اظهار بی اطلاعی کرده اند و تنها ۱۷/۷ درصد زنان اشاره کرده اند که در سه ماه گذشته این نوع آزار برای اطرفیانشان رخ داده است. ۳۷/۵ درصد زنان، هیچگونه تجربه پیشنهاد جنسی تاکنون نداشته اند و تنها ۳۱/۱ درصد اعلام کرده اند که در سه ماه گذشته مورد این نوع آزار قرار گرفته اند. ۳۵/۲ درصد زنان، در رابطه با اطلاع از آزار رفتاری پیشنهاد جنسی در اطرفیانشان اظهار بی اطلاعی کرده اند و تنها ۳۱ درصد زنان، اعلام کرده اند که در یکسال گذشته این مسئله اجتماعی برای اطرفیانشان اتفاق افتاده است.

در مورد آزار جنسی رفتاری تهدید به تجاوز، ۸۲/۶ درصد زنان تاکنون تجربه این نوع آزار را نداشته اند و تنها ۷/۶ درصد در سه ماه گذشته این مسئله برایشان رخ داده است. ۶۹ درصد زنان نیز از وقوع این نوع آزار در اطرافیان خود اظهار بی اطلاعی کرده اند و تنها ۱۳/۳ درصد اعلام کرده اند که در سه ماه گذشته برای اطرفیان شان این نوع آزار رخ داده است.

در مورد آزار جنسی در محیط کار ۳۹/۱ درصد زنان تاکنون این نوع آزار در محل کار خود را تجربه نکرده اند و از بین ۲۶/۸ درصدی که شاهد وقوع این نوع آزار بوده اند، بیشتر زنان مورد آزار قرار گرفته، آزار رفتاری هیزی و چشم چرانی را ذکر کرده اند که به مراتب بیشتر از گویه هایی مانند طرح جوک و

شوخی های زننده، نشان دادن عکس و تصاویر جنسی، پیشنهاد رابطه جنسی و تهدید به اخراج از کار برایشان رخ داده است.

برخورد زنان با آزار جنسی اعم از کلامی یا رفتاری به این صورت است که اکثر آنان در مواجهه با این مسئله اجتماعی سکوت و مدارا را در پیش می گیرند و درصدد تذکر دادن به آزار دهنده بر نمی آیند. خیلی از زنان مورد مصاحبه اعلام کرده اند در صورت وقوع آزار جنسی در وسایل نقلیه عمومی، سعی در فاصله گرفتن از فرد آزار دهنده می کنند و همواره سکوت را در پیش می گیرند. خیلی از زنان اعلام کرده اند که اینگونه مسائل در سطح جامعه برایشان عادی شده و بی تفاوتی از کنار آن عبور می کنند و سعی می نمایند که از ناسزا گفتن و درگیری با آزاردهنده اجتناب کنند.

محقق طی چند سؤال باز درصدد بررسی تجربه آزاردیدگی جنسی زنان نمونه آماری و پیامدهایی که اینگونه آزارها در زندگی آنان داشته است بر آمد. بیشتر زنان مورد مطالعه، آزارجنسی رفتاری لمس کردن را به عنوان یکی از مواردی که به کرات در زندگی شان رخ داده است، ذکر کرده اند که در این تحقیق بیشترین درصد فراوانی آن ۳۵/۴ درصد بوده است. در مورد پیامدهای اجتماعی که این گونه آزارها در زندگی شان داشته است، اکثر زنان به ترس و بدبینی نسبت به مردان در زندگی شان اشاره کرده اند که این مسئله باعث بی اعتمادی آنان نسبت به مردان شده است. از پیامدهای دیگر آن می توان به نفرت از مردان، اضطراب و افسردگی و بی اعتمادی نسبت به مردان اشاره کرد. جدول زیر به ارائه تجربه آزاردیدگی جنسی زنان می پردازد.

جدول ۲: توزیع درصد فراوانی جامعه مورد مطالعه بر حسب تجربه آزاردیدگی جنسی

تجربه آزاردیدگی جنسی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
متلک گفتن	۸	۲,۱	۲,۳	۲,۳
حرف های رکیک و توهین	۱۹	۴,۹	۵,۴	۷,۶
مزاحمت تلفنی	۲	۰,۵	۰,۶	۸,۲
هیزی و چشم چرانی	۲۸	۷,۳	۷,۹	۱۶,۱
تعقیب کردن	۳۲	۸,۳	۹,۱	۲۵,۲
لمس کردن	۱۳۶	۳۵,۴	۳۸,۵	۶۳,۷
تنه زدن به عمد	۲۳	۶,۰	۶,۵	۷۰,۳
توقف کردن با ماشین جلوی فرد	۵	۱,۳	۱,۴	۷۱,۷
عورت نمایی	۵۰	۱۳,۰	۱۴,۲	۸۵,۸
پیشنهاد جنسی	۲۵	۶,۵	۷,۱	۹۲,۹
رابطه جنسی	۹	۲,۳	۲,۵	۹۵,۵

۹۶,۹	۱,۴	۱,۳	۵	تهدید به تجاوز	
۱۰۰,۰	۳,۱	۲,۹	۱۱	عدم تجربه	
	۱۰۰,۰	۹۱,۹	۳۵۳	جمع	
		۸,۱	۳۱	۱۴	بی پاسخ
		۱۰۰,۰	۳۸۴	جمع	

همان طوری که نتایج آمار توصیفی جدول شماره ۲ نشان می دهد بیشترین درصد فراوانی در متغیر تجربه آزاردیدگی جنسی پاسخگویان مربوط به گزینه لمس کردن با ۳۵/۴ درصد و کمترین درصد فراوانی مربوط به گزینه مزاحمت تلفنی با ۰/۵ درصد فراوانی می باشد.

جدول ۳: توزیع درصد فراوانی جامعه مورد مطالعه بر حسب عواقب و آثار آزاردیدگی جنسی

فراوانی تجمعی	درصد معتبر	درصد فراوانی	فراوانی	عواقب آزاردیدگی	
۳۰,۲	۳۰,۲	۲۸,۶	۱۱۰	ترس و بدبینی نسبت به مردان	
۴۳,۴	۱۳,۲	۱۲,۵	۴۸	نفرت از مردان	
۷۰,۱	۲۶,۶	۲۵,۳	۹۷	عدم احساس امنیت اجتماعی	
۷۵,۳	۴,۹	۴,۷	۱۸	عدم مشارکت اجتماعی و منزوی شدن	
۸۲,۷	۷,۷	۷,۳	۲۸	اضطراب و افسردگی	
۱۰۰,۰	۱۷,۳	۱۶,۴	۶۳	بی اعتمادی نسبت به مردان	
	۱۰۰,۰	۹۴,۸	۳۶۴	جمع	
		۴,۹	۱۹	۷	بی پاسخ
		۰,۳	۱	۸	
		۵,۲	۲۰	جمع	
		۱۰۰,۰	۳۸۴	جمع کل	

همان طوری که نتایج آمار توصیفی جدول شماره ۳ نشان می دهد بیشترین درصد فراوانی در متغیر عواقب و آثار آزاردیدگی جنسی بر زندگی اجتماعی زنان، مربوط به گزینه ترس و بدبینی نسبت به مردان با ۲۸/۶ درصد و کمترین درصد فراوانی مربوط به گزینه عدم مشارکت اجتماعی و منزوی شدن با ۴/۷ درصد فراوانی می باشد.

یکی از مسائل مطروحه پیرامون وقوع آزار جنسی، بحث حجاب و نحوه آرایش زنان است که خیلی ها معتقدند نحوه آرایش و پوشش زنان در وقوع آزار جنسی علیه آنان تأثیر گذار است. محقق جهت پاسخ به این پرسش از خود زنان مورد مطالعه، اطلاعات لازم را جمع آوری کرده است. همان طوری که

نتایج جدول شماره ۴ نشان می دهد بیشتر زنان معتقدند که لباس زنان نباید جذب و بدن نما باشد، زیرا موجب جلب توجه دیگران می شود و احتمال آزار دیدگی آنان را افزایش می دهد. در این تحقیق ۳۲ درصد زنان نیز اعلام کرده اند که مخالف نبود ارتباط بین حجاب و آزار جنسی هستند.

جدول ۴: توزیع درصد فراوانی جامعه مورد مطالعه برحسب ویژگی های ظاهری و پوشش زنان

ویژگی های ظاهری و پوشش زنان	فراوانی	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظر	موافقم	کاملاً موافقم	بی پاسخ	جمع
لباس زنان نباید جذب و بدن نما باشد	فراوانی	۳۶	۴۷	۴۴	۱۳۷	۱۲۰	-	۳۸۴
	درصد فراوانی	۹,۴	۱۲,۲	۱۱,۵	۳۵,۷	۳۱,۳	-	۱۰۰,۰
آزادی پوشش	فراوانی	۴۸	۹۲	۵۴	۷۹	۱۰۹	۲	۳۸۴
	درصد فراوانی	۱۲,۵	۲۴,۰	۱۴,۱	۲۰,۶	۲۸,۴	۰,۵	۱۰۰,۰
حجاب نشانه شخصیت و عفت زنان است	فراوانی	۴۳	۷۲	۸۲	۹۱	۹۴	۲	۳۸۴
	درصد فراوانی	۱۱,۲	۱۸,۸	۲۱,۴	۲۳,۷	۲۴,۵	۰,۵	۱۰۰,۰
آرایش غلیظ باعث جلب توجه می شود	فراوانی	۵۷	۷۷	۵۹	۱۱۴	۷۶	۱	۳۸۴
	درصد فراوانی	۱۴,۸	۲۰,۱	۱۵,۴	۲۹,۷	۱۹,۸	۰,۳	۱۰۰,۰
نبود ارتباط بین حجاب و آزارهای جنسی	فراوانی	۸۰	۱۲۳	۴۷	۶۴	۷۰	-	۳۸۴
	درصد فراوانی	۲۰,۸	۳۲,۰	۱۲,۲	۱۶,۷	۱۸,۲	-	۱۰۰,۰

در مورد متغیر احساس نبود قوانین محکم در خصوص حمایت از زنان و ناآگاهی زنان نسبت به قوانین موجود، بیشتر زنان اعلام کرده اند که از قوانین موجود بی اطلاع اند و معتقدند هیچ قانون محکمی در خصوص حمایت از زنان وجود ندارد و اکثر قوانین نیز توسط مردها نوشته شده که تا حدودی دیدگاه های مردسالارانه خود را در اعمال و اجرای آن در نظر گرفته اند.

ارزش ها و باورهای سنتی حاکم بر جامعه، زنان را دعوت به سکوت و مدارا می کند و ۲۳/۷ درصد زنان در این تحقیق معتقد بودند که باورها و ارزش های سنتی جامعه ما، زنان را دعوت به حجاب و پاکدامنی می کند و در صورت وقوع آزار جنسی مقصر اصلی خود زنان هستند.

جهت مطالعه و بررسی پیامدهای اجتماعی آزار جنسی زنان جوان، در بخشی از تحقیق آزار جنسی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد که دارای پیامدهای اجتماعی در زندگی زنان می باشد. یکی از پیامدهای اجتماعی آزارهای جنسی، بی اعتمادی اجتماعی و عدم احساس امنیت اجتماعی در بین زنان است که ۵۷ درصد زنان مورد مطالعه در این تحقیق، با این نوع پیامد اجتماعی کاملاً موافق بوده اند و در

متغیر عدم تردد در ساعت های پایانی شب ۶۲/۵ درصد زنان اعلام نموده اند که تجربه آزار جنسی موجب شده است که در ساعت های پایانی شب در مکان های مختلف کمتر تردد کنند و در صورت لزوم از یک همراه مرد جهت تردد در مکان های ناشناخته استفاده نمایند. بسیاری از زنان (۴۵/۱ درصد) ابراز نموده اند که آزار جنسی موجب اختلال در ارتباطات بین فردی آنان نمی شود، ولی این پدیده موجب کاهش مشارکت اجتماعی زنان در سطح جامعه خواهد شد.

همچنین بسیاری از زنان اعلام نموده اند به دلیل ترس از سرزنش شدن، اینگونه مسائل را در بین خانواده مطرح نمی کنند. آنها معتقدند که بیان اینگونه مسائل موجب می شود که اعتماد خانواده ها از دختران و زنان جوان سلب شود و شک و تردید در بین خانواده ها ایجاد شود. ۴۵/۳ درصد زنان نیز بیان نموده اند که آزار جنسی موجب بدبینی آنان نسبت به مردان و ترس از جنس مخالف می شود و بیشتر زنان به دلیل ترس از برچسب خوردن و مقصر قلمداد شدن در بین اطرافیان خود، همواره سکوت می کنند.

بدین ترتیب، در آزمون فرضیه های تحقیق می توان گفت:

فرضیه اول

فرض ۱: بین عوامل اجتماعی (زمینه ای) و آزار جنسی دختران و زنان جوان رابطه وجود دارد. جهت بررسی آن از آزمون رگرسیون استفاده گردیده است که با توجه به سطح معناداری ۰/۰۵۱ که کمی بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، نشان دهنده مناسب نبودن رگرسیون خطی است. پس بنابراین بین عوامل اجتماعی (عوامل زمینه ای) مانند محل سکونت، وضعیت تحصیلی، میزان تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و میزان درآمد خانواده و آزار جنسی رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه صفر تأیید می شود.

فرضیه دوم

فرض ۲: بین ویژگی های ظاهری (نوع پوشش و نحوه آرایش) و آزار جنسی رابطه وجود دارد که با توجه به آزمون آماره خی دو، مقدار سطح معناداری در ارتباط با ویژگی های ظاهری و آزار جنسی دختران و زنان جوان برابر با ۰/۰۰۵ می باشد و با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معناداری است با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت فرض ۲ تأیید می شود؛ یعنی، ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود دارد.

فرضیه سوم

فرض ۳: بین احساس نبود قوانین حمایت کننده و عدم مطرح کردن آزار جنسی دختران و زنان جوان رابطه وجود دارد. مقدار سطح معناداری در ارتباط با احساس نبود قوانین حمایت کننده و عدم مطرح کردن آزار جنسی علیه دختران و زنان جوان برابر با ۰/۲۰۷ می باشد و با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری

محاسبه شده بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می باشد، با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت فرض صفر تأیید می شود؛ یعنی، ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد و قابل تعمیم به جامعه آماری نمی باشد.

فرضیه چهارم

فرض ۴: بین اعتقاد به حاکم بودن ارزش های سنتی بر جامعه و آزار جنسی دختران و زنان جوان رابطه وجود دارد. سطح معنی داری آزمون خی دو، در ارتباط با اعتقاد به حاکم بودن ارزش های سنتی حاکم بر جامعه و آزار جنسی دختران و زنان جوان برابر با ۰,۱۰۲ می باشد و با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده بیشتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ درصد است، در نتیجه با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت در رابطه با فرض چهارم، فرض صفر تأیید می شود؛ یعنی، ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد.

فرضیه پنجم

فرض ۵: آزار جنسی دختران و زنان جوان در بی اعتمادی اجتماعی و عدم احساس امنیت اجتماعی تأثیر گذار است. مقدار سطح معناداری آزمون خی دو در ارتباط با بی اعتمادی و عدم احساس امنیت اجتماعی و آزار جنسی علیه دختران و زنان جوان برابر با ۰,۱۲۴ می باشد و با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده بیشتر از سطح معنی داری استاندارد است، در نتیجه با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت در رابطه با فرضیه ۵ فرض صفر تأیید می شود؛ یعنی، ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد.

فرضیه ششم

فرض ۶: بین آزار جنسی دختران و زنان جوان و پیامد های اجتماعی آن در سطح جامعه بخصوص در زندگی دختران و زنان جوان رابطه وجود دارد. سطح معناداری آزمون خی دو در ارتباط با پیامدهای اجتماعی و آزار جنسی دختران و زنان جوان در جامعه برابر با ۰,۸۳۳ می باشد و با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری محاسبه شده بیشتر از سطح معنی داری استاندارد است، در نتیجه با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت در رابطه با فرضیه ۶ فرض صفر تأیید می شود؛ یعنی، ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

همان گونه که از مباحث بالا استنباط می شود بیشتر زنان در سه ماه گذشته آزارهای جنسی کلامی مانند متلک گفتن، تحسین زیبایی، حرف های رکیک و ناسزاگویی (توهین) و مزاحمت تلفنی را تجربه کرده اند و یا از وقوع آن در زندگی اطرافیان خود اطلاع دارند. در رابطه با آزار جنسی رفتاری سطوح پایین این نوع آزار مانند هیزی و چشم چرانی، تعقیب کردن، تنه زدن به عمد، لمس کردن و توقف کردن با ماشین جلوی فرد را بیشتر زنان مورد مصاحبه تجربه کرده بودند، ولی اکثر پاسخگویان سطوح بالاتر مانند عورت نمایی،

پیشنهاد جنسی و تهدید به تجاوز را خیلی کمتر تجربه کرده بودند و یا از آن اطلاع داشتند. این گونه مسائل به دلیل حساسیت زنا بودن، تابو بودن و مربوط بودن به حریم خصوصی افراد کمتر به طور صریح و آشکار مطرح شده است. لازم به ذکر است که آزار جنسی در محیط کار نیاز به تحقیق جداگانه دارد و نمی توان خیلی به این نتایج اطمینان کرد، زیرا بیشتر زنان مصاحبه شده یا شاغل نبوده اند و یا تاکنون تجربه ای در مورد این نوع آزار جنسی نداشته اند.

در مورد نحوه آرایش و پوشش زنان، نتایج تحقیق نشان داد که بین پوشش زنان و آزار جنسی رابطه وجود دارد. در جامعه با توجه به ارزش ها و باورهای که وجود دارد، آرایش غلیظ خلاف عرف و سنت حاکم بر جامعه است و موجب جلب توجه می شود. در رابطه با احساس نبود قوانین و ناآگاهی زنان نسبت به قوانین موجود، بسیاری از زنان معتقدند که هیچ قانون محکمی درخصوص حمایت از زنان وجود ندارد و اکثر قوانین نیز توسط مردها نوشته شده که تا حدودی دیدگاه های مردسالارانه خود را در اعمال و اجرای آن در نظر گرفته اند.

پیشنهادها

در پایان، پیشنهاد می گردد:

- لزوم آموزش و آگاهی دادن به دختران و زنان جوان در سنین کودکی و رشد؛ به طوری که به دختران و زنان جوان راهکارهای برخورد با آزار جنسی از طریق خانواده، مدارس، تلویزیون و... آموزش داده شود؛
- اقدام صدا و سیما و هنرمندان به ساخت برنامه هایی با محوریت زنان و آزارهای جنسی بصورت فیلم، مستند و یا حتی در آگهی های تبلیغاتی؛
- نصب بیلبورد ها و نکات آگاهی بخش در سطح شهر در مورد انواع آزارهای جنسی (کلامی - رفتاری) و راهکارهای پیشگیری از آن؛
- آگاهی دادن نیروی انتظامی و مراجع قضایی به زنان و مردان در مورد قوانین محکم و صریح مقابله با آزارهای جنسی؛
- ایفای نقش قانون به عنوان نوعی مامن و پناهگاه برای زنان؛ چنان که طوری با آنها برخورد نشود که احساس کنند مقصر اصلی خود آنها هستند.
- آموزش و فرهنگ سازی برای زنان پیرامون لزوم بهره گیری از پوشش مناسب؛ به طوری که حجاب و پوشش نه به عنوان محدودیت، بلکه به عنوان نوعی مانع جلوگیری کننده از وقوع هر گونه آزار علیه آنان به شمار می آید؛

- تغییر باورها و ارزش های سنتی حاکم بر جامعه مانند سکوت و مدارا کردن زنان در مواجهه با اینگونه آزارها، چرا که به مرور زمان با دادن آگاهی و وضع قوانین محکم در جامعه و برخورد قاطع زنان، باورها و ارزش های سنتی حاکم تغییر خواهد کرد.
- اعتماد سازی نسبت به زنان؛ زیرا بسیاری از زنان، آرایش های غلیظ و پوشش های نامناسب را علت اصلی آزار جنسی می دانند، در صورتی که در این تحقیق زنانی با پوشش چادر نیز مورد آزار جنسی قرار گرفته بودند. پس زنان نیز باید نسبت به یکدیگر اعتماد و باور داشته باشند و دیدشان را نسبت به همجنسان خود تغییر دهند و آنها را مقصر قلمداد نکنند.
- وضع قوانین مشخص و روشنی در مورد آزار جنسی و پیشگیری از آن در محیط های کار؛
- تشکیل انجمن های مردمی و نهادهای غیر انتفاعی جهت آموزش دادن به زنان و مردان؛
- برگزاری سمینارها، همایش ها و کارگاه هایی با محوریت زنان و راهکارهای برخورد با انواع آسیب های اجتماعی در دانشگاه ها؛
- تشویق محققان و پژوهشگران به انجام تحقیقات در زمینه مسائل و آسیب های اجتماعی زنان؛
- ضرورت انجام یک تحقیق ملی و وسیع در سطح کشور برای مقایسه انواع آزارهای جنسی (کلامی - رفتاری) در استان های گوناگون با توجه به محدودیت های آماری مطالعات انجام گرفته و همه گیری این مسئله اجتماعی؛
- مطالعه آزارهای جنسی در محیط های مختلف مانند اماکن عمومی، محیط های کار، دانشگاه ها، فضای خانواده، مراکزی که زنان بیشتر رفت و آمد دارند و...؛
- انجام تحقیقات کیفی پیرامون آزارهای جنسی به دلیل محدودیت تحقیقات کمی و آماری در بررسی دقیق و همه جانبه این مسئله اجتماعی.

منابع

- ازکیا، مصطفی و دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۹) روش های کاربردی تحقیق. چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان
- اسحاقی، محمد (۱۳۹۱) "آزار جنسی در یک بررسی حقوقی". برگرفته شده از پورتال جامع علوم انسانی، بهمن ماه ۹۱.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۵) فمینیسم و دیدگاه ها. ترجمه مقالات از انجمن جامعه شناسی ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳) "ساختار جامعه و خشونت علیه زنان". فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی. سال چهارم، شماره ۱۴.
- السان، مصطفی () جرم شناسی خشونت جنسی علیه زنان. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی. سال پنجم، شماره ۲۱.
- حسین زاده، سیما (۱۳۸۷) "مزاحمت جنسی: تجربه زنان تهرانی در اماکن عمومی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ذکایی، سعید (۱۳۸۴) مزاحمت های جنسی در محیط های مختلف برای زنان. چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان
- رجب لاریجانی، مهسا (۱۳۸۹) "مطالعه جامعه شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فاطمی، آرزو (۱۳۹۲) "تأثیر آموزش شهروندی بر میزان آزارهای جنسی در خیابان ها و فضاهای عمومی شهر تهران". راسخون. ۶ مرداد ماه ۱۳۹۲.
- قاضی طباطبایی، محمود و همکاران (۱۳۸۳) "طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان". دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- قندهاری، پردیس (۱۳۷۹) "مزاحمت های جنسی". نشریه ستاره صبح.
- کار، مهر انگیز (۱۳۷۹) پژوهشی درباره خشونت علیه زنان. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱) *جامعه شناسی*. منوچهر صبوری. چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر نی
- معید فر، سعید (۱۳۸۹) *مسائل اجتماعی ایران (جامعه شناسی اقشار و گروه های آسیب پذیر)*. چاپ اول، تهران: انتشارات نشر علم
- ممتاز، فریده (۱۳۸۷) *انحرافات اجتماعی (نظریه ها و دیدگاه ها)*. چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار
- مولاوردی، شهیندخت (۱۳۸۵) *کالبد شکافی خشونت علیه زنان*. تهران: نشر دانش نگار
- Lahsaeizadeh, Abdolali And Yousefinejad, Elham (2012) **Social Aspects Of Womens Experience Of Sexual Hrassment In Public Places In Iran**. *Sexuality And Culture*. 16.
- Lenton,R. And M,Smith (1999) **Sexual Hrassment In Public Places: Experiencces Of Canadian Women**. *Journal Of The Canadian Review Of Sociology And Anthropology* . Vol.36.

A Social Approach to Young Womens Experience Of Sexual Harassment (verbal -behavior)

Cobra Shokri

Master degree in Sociology, Alborz University, Qazvin

Seyyed Zia Hashemi

Ph.D., Assistant Professor of Social Sciences Department, University of Tehran

Received:14 Apr 2014

Accepted:5 May 2014

Sexual harassment is a global problem that hinders sustainable way of promoting women and their enjoyment of their individual and social rights. Sexual harassment can be given the showing of the female body without any agreement, express or implied, on the condition that they may be declared a sexual nature. In this study, a questionnaire survey was used to collect information. Questionnaires were distributed among 384 girls and young women (15 to 35 years old), living in two district Tehranpars and Tajrish as a multi-stage sampling.

Results showed that the women have experienced a kind of sexual harassment such as verbal taunts to say , admire the beautiful , dirty word (of blasphemy) and nuisance calls in the last three months or are aware of its occurrence about them. More women have experienced a kind of behavior sexual harassment in such as ogle Hyzy , the prosecution , touching , shoving deliberately , stopping the car in front of them in the last three months or are aware of its occurrence about them. View of genitals, sexual suggestions and threats of rape cases are less expressed by the study population. Perhaps it is a taboo to discuss about such issues or there is a kind of fear or paranoia among the women to express them.

In this qualitative analysis research, most women have said that been touched unwantedly by the men many times and how fear to have relations with men. Sexual harassment is occurred in the workplaces less than the other places. Most women often tolerate sexual harassment through keeping silence and distance in public vehicles and avoiding to refer the judiciary. Also, there is a correlation between sexual harassment and women's dressing and makeup. The relationship between young womens experience of sexual harassment (verbal - behavior) and social factors (underlying factors) such as income, education and occupation of parents and family income was rejected with the lowest distance and there is no correlation between them.

Keywords: Young women, Sexual harassment (verbal - behavior), Patriarchy, Dressing and adornment and Protective laws